

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحثی که داشتیم به اینجا رسیدیم که هلال یک واقع محفوظی دارد و در هر ماه یک مرتبه بیشتر محقق نمی شود و همچنین گفتیم که در رؤیت هلال و اثبات اول ماه وحدت افق و اختلاف افق مؤثر نیست یعنی وقتی اول ماه رمضان ثابت شد برای همه روزه گرفتن واجب است: ومن شهد منكم الشهر فليصمه. بحث امروز هم درباره این موضوع است که ببینیم کسانی که وحدت افق را معتبر می دانند حرفشان و منظورشان چیست؟ امام رضوان الله علیه در مسئله هفتم از توضیح المسائلشان در بحث ثبوت هلال ماه فرموده اند: اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای مردم شهر دیگر فایده ای ندارد مگر آن دو شهر به هم نزدیک باشند یا انسان بدانند که افق آنها یکی است. آیت الله بروجردی اعلی الله مقامه هم در مسئله ۱۷۴۴ از توضیح المسائلشان در این باره فرموده اند: اگر در شهری اول ماه ثابت شود برای مردم شهر دیگر فائده ندارد مگر آن دو شهر به هم نزدیک باشند یا انسان بدانند که افق آنها یکی است. آیت الله گلپایگانی هم همین مطلب را فرموده اند فقط یک عبارتی را اضافه کرده اند و آن این که: یا در شهری که دیده شده آفتاب زودتر از شهر خودش غروب کند، یعنی اگر در بلاد شرقی ببینیم برای غربی ها اول ماه است. اما نظر بنده در توضیح المسائل به این صورت می باشد: اگر در شهری اول ماه ثابت شود در شهرهای دیگر چه دور باشند چه نزدیک و چه در افق متحد باشند یا نه، همین قدر که در شب بودن مشترک باشند اول ماه برای آنها ثابت است. دلایل ما همانطور که بیان کردیم یکی روایات ششگانه و پنجگانه ای بود که خواندیم و یکی هم این است که همانطور که عرض کردیم طول و عرض بلاد در مسئله افق بسیار مؤثر می باشد، حالا عرض بنده این است که مراجع بزرگواری که از آنها نام بردیم در زمان حیاتشان در بحث رؤیت هلال می فرمودند اگر در یک شهری از شهرهای ایران ماه دیده شد برای کل شهرها اول ماه ثابت است در حالی که گاهی اختلاف درجات طولی و عرضی بعضی از شهرهای ایران

نسبت به هم به ۷ و ۸ و گاهی به ۱۰ درجه می رسد ولی باز آن بزرگواران اول ماه را برای کل شهرهای ایران ثابت می دانستند. اشکال بنده به آن بزرگواران همین است که چرا با این همه تفاوت طولی و عرضی که بین شهرهای مختلف ایران وجود دارد برای همه اول ماه ثابت است ولی مثلاً کویت و بغداد با اهواز ۲ درجه و بحرین با اهواز یک درجه اختلاف دارند، پس چرا وقتی برای کویت و بغداد و بحرین اول ماه ثابت می شود برای ما ثابت نیست؟ به عبارت دیگر چرا هنگامی که ماه در اهواز که ۱۱ درجه با زاهدان اختلاف دارد دیده می شود می گویند اول ماه برای زاهدان ثابت است؟ ولی اگر در کویت یا بغداد که ۲ درجه با اهواز اختلاف دارند ماه دیده شود می گویند برای اهواز اول ماه ثابت نیست، عرض بنده این است که ماه که مملکت نمی شناسد بلکه ماه روی همان درجات طول و عرض که بیان کردیم حرکت می کند. بنابراین تا به حال برای ما روشن شد که برای کسانی که قائل به وحدت افق هستند دو محذور پیش می آید یکی اینکه گاهی ماه رمضان ۲۸ روز و گاهی ۳۱ روز می شود طبق فرمایش شهید ثانی در مسالک و دیگری همین اشکالی که بنده امروز مطرح کردم که ماه مملکت نمی شناسد بلکه روی درجات طولی و عرضی حرکت می کند. امروز هم برای روشن شدن مطلب مقداری از درجات طولی و عرضی بلاد را برایتان عرض می کنم؛ اهواز ۴۹ درجه طول و ۳۱ درجه عرض دارد، زاهدان ۶۰ درجه طول و ۳۷ درجه عرض دارد، مشهد ۵۹ درجه طول و ۳۶ درجه عرض دارد، کویت ۴۸ درجه طول و ۲۹ درجه عرض، بحرین ۵۰ درجه طول و ۲۶ درجه عرض، بندر عباس ۵۶ درجه طول و ۲۷ درجه عرض، بغداد ۴۴ درجه طول و ۳۳ درجه عرض، قم ۵۰ درجه طول و ۳۴ درجه عرض و تهران ۵۱ درجه طول و ۳۵ درجه عرض دارد. خوب حالا برای روشن شدن مطلب تفاوت طول و عرض اهواز و مشهد و بغداد را با یکدیگر مقایسه می کنیم، تفاوت اهواز با مشهد طولاً ۱۰ درجه و عرضاً ۵ درجه می باشد و تفاوت اهواز با بغداد طولاً ۵ درجه و عرضاً ۲ درجه می باشد، یعنی بغداد به اهواز نزدیک تر است تا مشهد به اهواز اما اگر ماه در اهواز دیده شود می گویند برای مشهد اول ماه ثابت است و عید است ولی اگر ماه در بغداد دیده شود می گویند برای اهواز

اول ماه ثابت نمی باشد با اینکه طول و عرض بغداد نسبت به اهواز از طول و عرض مشهد نسبت به اهواز خیلی کمتر می باشد، ده ها مورد دیگر خارج از ایران وجود دارد که تفاوت طول و عرضشان نسبت به بعضی از شهرهای ایران از طول و عرض بعضی از شهرهای ایران نسبت به هم کمتر است ولی می گویند که اگر ماه در آنها دیده شود برای ایران اول ماه ثابت نیست. بنابراین باتوجه به مطالب مذکور معلوم می شود که وقتی که ماه متشکل به شکل هلال شد برای کل بلادی که در شب با هم مشترکند اول ماه ثابت می باشد. مطلب دیگری که باید عرض کنم این است که آیا برای رؤیت هلال چشم عادی کافی و لازم و مؤثر می باشد؟ یا اینکه می توانیم به آلات و ابزاری نظیر تلسکوپ و دوربین و امثال آنها هم اکتفا کنیم؟ آیت الله خوئی رحمه الله علیه در جلد ۲ از مستندالعرفه ص ۱۲۴ درباره مطلب مذکور می فرمایند: لا عبرة بالرؤية بالعين المسلحة المستندة بالمفكرات المستحدثة والنظارات القوية كالتلسكوب ونحوه. آقای خوئی دلیلی برای این حرفشان ذکر نمی کنند إلا اینکه مثلاً کسی بگوید اخبار اهل بیت (علیهم السلام) که در آن موقع فرموده اند: صم للرؤية وافطر للرؤية انصراف به چشمهای عادی دارد و شامل چشم مسلح نمی شود. حالا نقد و بررسی نظر ایشان و بیان نظر بنده بماند برای فردا إن شاء الله. ...

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

